

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه علمیه در طراز انقلاب اسلامی

پیشگفتار

در این نوشته پس از بررسی رابطه «انقلاب اسلامی و دین اسلام» و پیوند حقیقی بین آندو، به بررسی رابطه «انقلاب اسلامی و حوزه های علمیه» پرداخته میشود و شاخصه ها و ویژگیها و وظایف «حوزه علمیه در طراز انقلاب اسلامی» مورد توجه قرار می گیرد، این نوشتار بر مبنای رهنمودها و بیانات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری تنظیم شده است، لازم به ذکر است نوشتار حاضر ناظر به «چیستی» و «چرایی» «حوزه علمیه در طراز انقلاب اسلامی» است و بررسی «چگونگی» آن، نوشتاری دیگر می طلبد. و من الله التوفیق، مهدی عبداللہی

طلیعه^۱

«صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبہ شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده اند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده اند. سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانیها را بدهد و مُهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه ها و روحانیت را درک کرده اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرّب جز عطیه شهادت نخواستند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده اند.... تردیدی نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج رویها بوده اند... اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت — علیهم السلام — به خورد توده ها داده بودند... در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی — اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت

^۱ برگرفته از یکی از سخنرانی های حجت الاسلام و المسلمین استاد میرباقری

شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟»^۲ شکی نیست که پیدایش و تداوم روحانیت تشیع تا عصر حاضر با محوریت و سرپرستی ائمه اطهار علیهم السلام صورت گرفته و اکنون به منزلتی بی نظیر دست یافته است و در طول تاریخ تشیع، فقهاء و علماء شیعه، پرچم و علم مسئولیت عظیم حفظ و اقامه دین را با اشارت و زعامت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر دوش گرفته تا جایی که امروزه اسلام شیعی که همان اسلام ناب است، به یکی از قطب‌های فرهنگی مهم جهان و به یکی از کانونهای تأثیرگذار در فرهنگ جهان تبدیل شده است، به طوری که فرهنگ جهانی از شیعه الهام می‌گیرد.

تاریخ تشیع، تاریخ پرفراز و نشیبی است. حضرت علی(علیه السلام) از فردای سقیفه، جامعه شیعه را از نو بنا کردند. دوره امام محمدباقر(علیه السلام) و امام جعفر صادق(علیه السلام)، دوره بسط معارف شیعه و تبیین اعتقادات شیعی است. در این دوران، شیعه به یکی از کانونهای فرهنگی دنیای اسلام تبدیل شد. در دوره وجود مقدس امام رضا(علیه السلام) تا دوره هجرت آن حضرت به طوس، شیعیان بعد از اینکه به بلوغ فرهنگی رسیدند و فرهنگ شیعی مدون شد، معرفت آنان نیز نسبت به آستان رفیع ائمه اطهار(علیهم السلام) رشد کرد. در این دوران، یکی از تحولات مهم، تحولات جغرافیایی دنیای اسلام است که شیعه دارای کانون جغرافیایی شد. با هجرت حضرت رضا(علیه السلام) به ایران، این منطقه به کانون تشیع تبدیل گردید. در ادامه، کم‌کم با فروپاشی عباسیان، دولت پادشاهی شیعی با زمامداری صفویه آغاز شد. بنابراین، شیعه به نقطه‌ای رسید که از فرهنگ مدون، کانون جغرافیایی مقتدر و روحانیت متمرکز برخوردار شد. سپس حرکتی اجتماعی برای بنیان‌گذاری دولت دینی و حاکمیت شکل گرفت که در نهایت نیز به وسیله مرجعی مورد وفاق، به سرانجام رسید و شیعه، نظام پیدا کرد. و در واقع «آبروی هزار ساله‌ی روحانیت، که یک ذخیره‌ی تمام نشدنی بود، موجب این پیروزیها و موفقیتها گردید. این آبروی هزارساله، عبارت است از آن اعتباری که در طول قرنهای متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است.»^۳ بنابراین در دفاع از حریم فرهنگ تشیع، حوزه‌های شیعه و فقیهان به سرانگشت اشارت وجود مقدس امام زمان (ارواح العالمین له الفدا) محور توجه جامعه شیعه بوده‌اند «امّا الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا...». و این همان سرانگشت اشارت تکوینی و تشریعی معصوم(علیه السلام) برای هدایت شیعه در عصر غیبت است. اکنون در این مرحله از تاریخ، می‌توان ادعا کرد جریان تشیع، جریان هدایت شده‌ای است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذكرکم ولولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلکم الاعداء».^۴

استراتژیست‌های دشمن نیز بر این واقعیت اقرار دارند که قرن حاضر، آغاز مقابله تمدن‌هاست. این به آن معنا است که تمدن دینی اسلامی در حال شکل‌گیری و حیات مجدد است، این سخن در شرایطی مطرح می‌شود که از درون جریان تجدّد با وجود همه بحرانها و چالش‌هایش، جبهه «لیبرال دموکراسی» به عنوان جبهه پیروز ظهور کرده است. این جبهه دارای ایدئولوژی و مرام‌نامه خاص، سازوکارهای علمی و ساختارهای جهانی و منطقه‌ای برای رسیدن به اهداف خودش است. در چنین شرایطی است که، برخی از

^۲ حضرت امام خمینی(ره) - منشور روحانیت

^۳ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین، در آستانه ماه مبارک رمضان ۷۱/۱۱/۲۵

^۴ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

نظریه پردازان، نظریه «پایان تاریخ»^۵ را مطرح کردند؛ زیرا گمان می کردند شکست جریان سوسیالیسم و کمونیسم به این معنی است که هیچ رقیبی برای لیبرال دموکراسی باقی نمانده است و ملت‌ها این جریان را به عنوان جریان پایانی و آرمانی ترین شکل حیات بشر، به رسمیت شناخته‌اند.

همزمان با ظهور این نظریه در غرب، نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۶ به وسیله یکی از استراتژیست‌های امریکا مطرح شد که مدعی است جهان در سرفصل جدیدی از برخوردها قرار دارد که از سنخ برخوردهای درون جبهه تجدّد نیست، بلکه چالش جدی میان تجدّد و تمدن‌های دیگر است که «تمدن اسلام» محوری ترین، کانونی ترین و فعال ترین این تمدن‌ها به شمار می‌رود، توین بی از فیلسوفان بزرگ تاریخ مغرب زمین می‌گوید: «تنها تمدنی که ظرفیت هضم فرهنگ‌های دیگر را در جهاز هاضمه خودش دارد، تمدن اسلامی است». بدین ترتیب، در می‌یابیم پرچمداران تفکر مادی هم متوجه هستند که کانون حقیقی اسلام و حقانیت کجاست.

در این عصر، دست توانای وجود مقدس حضرت بقیه الله (عج الله تعالی فرجه الشریف)، جریان ایمان را به نقطه‌ای رسانده که اسلام به یکی از دو قطب اساسی تمدن در جهان تبدیل شده است. تمدن‌های دیگری هم در دنیا هستند ولی تمدن فعال و تأثیرگذار که دشمن را با تمام توان به مقابله واداشته، اسلام نابی است که جمهوری اسلامی پرچم آنرا برافراشته است، به اعتراف یکی از روشن فکران «میزان فشاری که غرب در طول ربع قرن گذشته به جمهوری اسلامی وارد کرده، بیش از فشاری است که به کلّ بلوک شرق در جنگ سرد وارد کرده است».^۷

جمهوری اسلامی به عنوان پایگاه تمدنی نیرومند، با فرهنگی تأثیرگذار بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی، در مقابل فرهنگ مدرن غربی، داعیه دار ارائه الگوهای جدیدی برای زیست بشر و اداره حیات او و جامعه سازی می باشد و اینگونه جوامع را به راه سعادت و خیر و صلاح فرا می خواند و در واقع دستی در باطن عالم، جهان را به سمت جامعه موعود و نقطه مطلوب حرکت می دهد.

بنابراین اکنون جمهوری اسلامی به عنوان یک قطب تمدنی مطرح است و اصلی ترین کانون تمدن، کانون فرهنگی آن است و فعال ترین کانون فرهنگی در دنیای اسلام نیز حوزه علمیه قم است.^۸ همانطور که در روایات فرموده‌اند که علم از نجف غروب می کند و در قم طلوع می کند و از قم، حجت بر همه جهان تمام می شود.^۹

^۵ فرانسس فوکویاما، «فرجام تاریخ و آخرین انسان»، ترجمه: علی رضا طیب، نشریه سیاست خارجی، ۱۳۷۳، ش ۲ و ۳.

^۶ ساموئل هانتینگتون، «رویارویی تمدن‌ها»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۴.

^۷ هیچ انقلابی تاکنون به اندازه انقلاب اسلامی مورد هجوم تبلیغاتی و تسلیحاتی واقع نشده است. تمام رسانه‌های دنیا- به استثنای کمی از آنها- و تمام رسانه‌های بزرگ دنیا الآن یا با صراحت و یا با تلویح با این جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت می کنند، و در هر شب و روز ساعات بسیار را برای سرکوبی جمهوری اسلامی صرف می کنند. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵۰)

^۸ حوزه قم زنده کرد ایران را. حوزه قم خدمتی به اسلام کرده است که تا صدها سال دیگر این خدمت باقی است. کم نشمرید آقایان این را. دعا کنید به حوزه قم؛ (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۳۸)

^۹ عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: «ستخلو کوفه من المؤمنین و یأزر عنها العلم کما تأزر الحیه فی جحرها ثم یظهر العلم ببلده ینال لها قم و تصیر معدناً للعلم و الفضل حتی لایبقی فی الارض مستضعف فی الدین حتی المخدرات فی الجبال و ذلک عند قرب ظهور قائمنا فیجعل الله قم و اهله قائمین مقام الحجة و لولا ذلک لساخت الارض بأهلها و لم یبق فی الارض حجة فیفیض العلم منه الی سائر البلاد فی المشرق و المغرب فیتهم حجة الله علی الخلق حتی لایبقی احد علی الارض لم

اکنون که انقلاب اسلامی پرچم دار اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله و قطب عدالت خواهی و معنویت است و توانسته است در عرصه جهانی موازنه قدرت را به نفع مذهب و فرهنگ دینی تغییر دهد، آیا حوزه های علمیه به عنوان پشتیبان حکومت و نظام جمهوری اسلامی، با وجود میراث گرانقدر علمی و ظرفیتهای فراوان خود در این جایگاه متعالی، توانسته است پاسخگوی نیازهای بشر، انتظارات جامعه اسلامی و دیگر جوامع، مطالبات حکومت و نظام باشد؟ آیا در ارائه الگوهای اسلامی در همه ابعاد نیازمندیهای بشر در زندگی فردی و اجتماعی و در مقیاس توسعه جهانی موفق بوده است؟ آیا از تمام ظرفیتهای برای اثرگذاری فرهنگی و تبلیغ و نشر معارف اسلامی و تربیت انسانها بهره برده است؟ آیا در برابر هجمه های علمی و اعتقادی دنیای غرب و روشنفکران غربی به خوبی توانسته است به دفاع نظری و فکری بپردازد؟ آیا از فرصتهای عظیمی که انقلاب اسلامی در گرایش امتها به سوی اسلام و معنویت در سطح جهان ایجاد کرده است، به خوبی استفاده کرده است؟ اگر دین برنامه ولایت خدا برای حیات بشر است^{۱۰}، آیا حوزه علمیه به خوبی توانسته است دین را در صحنه زندگی و حیات اجتماعی تبیین نموده و برای تحقق اخلاق، معنویت و عدالت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی الگوی کارآمدی ارائه نماید؟ و برای محوریت دین اسلام در حیات بشر و حاکمیت آن در فرایندهای اجتماعی، سازوکار عقلانیت تجربی و نظری را بر محور عقلانیت مذهبی سامان دهد؟ آیا حوزه علمیه توانسته است به عنوان بازوان علمی و فقهی ولی امر مسلمین جهان، وی را در سکنداری کشتی انقلاب و حرکت عظیم نهضت اسلامی تا تحقق جامعه توحیدی جهانی و تمدن اسلامی^{۱۱} و به اهتزاز درآمدن پرچم لا اله الا الله^{۱۲}، به خوبی یاری دهد؟ و نیز آیا حوزه علمیه توانسته است جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف و آرمانهایش و در مقابله با مدرنیته، پشتیبانی علمی، نظری و تئوری کند و در زمانی که تناقضات آشکاری میان علوم سکولار موجود با ارزشها و شعارهای انقلاب، پدید آمده است، آیا حوزه علمیه در تولید علم دینی و بستر سازی برای تحقق آرمانهای انقلاب موفق بوده است؟

یبلغ الیه الدین و العلم ثم ینظر القائم (عج) و ینسیر سبباً لنقمه الله و یسخطه علی العباد لان الله لا ینتقم من العباد إلا بعد انکارهم حجه». علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۵۷، ص ۲۱۳، باب ۳۶.

^{۱۰} اسلام برای تمام زندگی انسان، از روزی که متولد می شود تا موقعی که وارد در قبر شود، دستور و حکم دارد. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۱)

^{۱۱} «خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است.»، «سر نوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند.»، «این کار عظیم و ماندگار و تاریخی، سر و کارش با نسله ها و قرن هاست. این کار را نباید با کاری دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد.»، «مسئله ما مسئله حرکتی عظیم در مقیاس جهانی است.» (مقام معظم رهبری)

^{۱۲} بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، «ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۴) پیام به ملت ایران (قبول قطعه نامه ۵۹۸))

انقلاب اسلامی و دین اسلام

انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ تشیع محسوب می شود، زمانی که شیعه به حکومت دینی دست یافت و فرصتی گرانبها را در اختیار گرفت که در گذشته حاصل نشده بود^{۱۳} و در واقع شیعیان در کمال معرفت و معنویت تاریخی خود، در عصر دموکراسی مبتنی بر اومانیزم، «ولایت فقیه» را مبتنی بر ولایت الهی ائمه اطهار پذیرفتند. بنابراین ولایت فقیه از دستاوردهای مهم انقلاب محسوب شده و ضامن بقای اسلام می باشد، در پرتو هدایت و سرپرستی ولایت فقیه، شیعه در این برهه تاریخی به اقتداری تازه دست یافت و افقهای وسیعتری را پیش روی خود دید تا آنجا که رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) فرمود: اکنون باید نبض زمان را در دست داشته باشیم و از زمان جلوتر باشیم^{۱۴}، همانگونه که غرب برای آینده برنامه ریزی و فرهنگ سازی کرده است تا جوامع را به نقطه مطلوب خود هدایت کند، «استکبار، همه ی وجودش را اندیشمندانه در جهت اداره ی مطلوب خودش به کار می گیرد و کاملاً با فکر حرکت می کند و جریانات جهانی را هدایت می نماید تا محفوظ بماند؛ چون می داند که اگر فکر و پیش بینی و آینده نگری نکرد و اگر آمار نداشت، ضربه خواهد خورد.»^{۱۵}، مقام معظم رهبری^{۱۶} دامت برکاته نیز با ترسیم چشم اندازی از آینده انقلاب به تبیین مراحل تحقق اهداف اسلامی پرداخته اند که به نظر می رسد کامل ترین و اساسی ترین استراتژی نهضت اسلامی محسوب می شود، بر این اساس انقلاب اسلامی به عنوان یکی از پنج مرحله فرایند تحقق اهداف اسلامی، مقدمه ای برای تشکیل نظام اسلامی بوده است و با تشکیل نظام اسلامی، طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی در حکومت ایران پیاده شد و هندسه عمومی جامعه اسلامی شد و همانطور که در قانون اساسی تبیین شده است نظام دینی مردمی گزینشی جایگزین نظام سلطنتی استبدادی فردی اشرافی شد، بعد از تشکیل نظام اسلامی مرحله سوم تشکیل دولت اسلامی به معنای اسلامی شدن روش، منش و رفتار دولتمردان (به معنای عام) است، مرحله چهارم کشور اسلامی است که در آن عزت مردم و عدالت مستقر و فقر و تبعیض ریشه کن خواهد شد و جایگاه مردم در روابط بین الملل ارتقاء میابد و بعد از این مرحله، دنیای اسلامی (تمدن اسلامی) شکل خواهد گرفت.

^{۱۳} مسؤولان این نظام با این امید هم وارد این میدان شده اند که بتوانند از اهداف الهی که مورد اعتقاد آنهاست، چیزی را تحقق بخشند و در زندگی پیاده کنند. از بعد از صدر اسلام تا امروز هم، چنین فرصتی پیش نیامده است. موقعیت بسیار استثنایی و بخصوصی است. باید این موقعیت را مغتنم بشماریم و هر کجا هستیم، در قوای سه گانه و در همه بخشهای مدیریتی این کشور، سعی کنیم حقیقتاً اهداف و آرمانهای اسلامی را در حد توان جمع اداره کننده و مسؤول امور کشور، که توان بالایی هم هست، پیش ببریم. (تاریخ بیانات: ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

^{۱۴} حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹)

^{۱۵} - سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه ی علمیه ی قم ۶۸/۹/۷

^{۱۶} دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

با مروری بر رهنمودهای مقام معظم رهبری^{۱۷} خواهیم دانست که انقلاب اسلامی با هدف تحقق اهداف الهی و اسلامی در بخش مهمی از جهان یعنی کشور جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت^{۱۸}، و هرچند در صدور اهداف و آرمانهای انقلاب به جهان و نشر فرهنگ اسلامی و اثر گذاری بر فرهنگ جهان اسلام و مقابله با فرهنگ منحط غرب در سطح جهان موفق بوده است اما هنوز تا تحقق جامعه بین الملل اسلامی و تمدن توحیدی فاصله دارد.

مبانی فکری و اعتقادی حکومت اسلامی ایران، در جهت تحقق اهداف الهی و اسلامی، بر اساس جهان بینی و بینش اسلامی و مجموعه معارف دین اسلام شکل گرفته است که شناخت آن می تواند در تبیین رابطه انقلاب و دین اسلام مؤثر باشد، اصول مهم تفکر اعتقادی و معرفتی حکومت و دولت اسلامی عبارتند از: توحید، تکریم انسان (انسان محوری اسلامی)، حیات پس از مرگ، استعداد بی منتهای انسان در رسیدن به نقطه نهایی تعالی و تکامل، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح. بر اساس این اصول اعتقادی، نتایج عملی و وظایفی که بر عهده حکومت و نیز احاد امت اسلامی است عبارت است از: عبودیت و اطاعت خدا (هماهنگ شدن بشر با حرکت کلی عالم در اجابت امر الهی)، هدف گرفتن تعالی انسانی (تعالی روحی و اخلاقی، فکری و علمی، اقتصادی و اجتماعی)، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، مجاهده و تلاش و مبارزه، امید به پیروزی در همه شرایط.

مقام معظم رهبری در تشریح اصول و وظایف فوق می فرماید:

«ما می خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است»، «مسئله‌ی جمهوری اسلامی، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجاتبخش بشریت است، آشنا شوند»^{۱۹}، «در کشور و جامعه‌ی ما نظامی استقرار پیدا کرده است که بر مبنای تفکر و شریعت اسلامی شکل گرفته و اداره می‌شود و این نظام پذیرفته است که به سمت تحقق کامل شریعت و اهداف اسلامی حرکت کند. علما در بلاد اسلامی، از این جهت بار سبکتری بر دوش دارند»^{۲۰}، «اسلام همه چیز زندگی و مبنای نظام اجتماعی است. امروز، توحید در زندگی عمومی و اجتماعی ملت و کشور ما، قاعده‌ی زندگی است. مبنای حکومت و اداره‌ی کشور و مدیریت

^{۱۷} دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

^{۱۸} اصل رژیم تغییر کرد و الآن رسماً ایران جمهوری اسلامی است و همه هم شناختند ایران را به این معنا؛ لکن ما فقط این معنا را نمی‌خواهیم که جمهوری اسلامی رأیی باشد، لفظی باشد. مهم همه ما و همه شما و همه ملت و همه علمای اعلام این است که اسلام به همه ابعاد تحقق پیدا بکند؛ به طوری که هرکس وارد این مملکت می‌شود، از سرحد که وارد شد، آثار اسلام ببیند تا مرکز که آمد آثار اسلام؛ دانشگاه رفت اسلامی؛ وزارتخانه‌ها رفت اسلامی؛ ادارات دولتی رفت اسلامی؛ بازار آمد اسلامی؛ [نزد] کشاورزها و پیش کارگرها رفت اسلامی. آنکه مقصد ما هست این معنا هست؛ نه فقط رفتن چپاولگرها. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۱۸-۲۲۰)

^{۱۹} بیانات در دیدار طلاب غیر ایرانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم (۱۳۸۹/۰۸/۰۳)

^{۲۰} سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس ۶۸/۴/۲۰

امور و مبنای زندگی همه جانبه ی مردم، توحید و معارف اسلامی است.^{۲۱} «حکومت اسلامی، حکومت قرآن و حکومت فقه و فقیه و حکومت علم و عدل است. حکومت برای گسترش آرمانهای اسلامی است. تشکیل حکومت اسلامی، آرزوی همه اولیاءالله در طول تاریخ بوده است.»

ممکن است گفته شود که صرفاً آرمان و شعار تحقق اهداف اسلامی کافی نیست و نیز پرسیده شود که آیا انقلاب اسلامی در تحقق اهداف اسلامی موفق بوده است؟ «در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه ها موفق بوده است... به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود.»^{۲۲} اتفاقاً «یکی از مهمترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این همه مزاحمت، با این همه معارضه، با این همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است. به برکت بیان روشن و رسای امام بزرگوارمان - که خوشبختانه مضبوط هم هست - تفسیر و تأویلی وجود ندارد؛ راه، راه مستقیمی است؛ این راه را انقلاب پیش رفته است.»^{۲۳}

«انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهایی هستند که در اهداف، مشخص شده اند. هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین تر از آن، انسان سازی است؛ هدف پائین تر از آن، ایجاد جامعه ی اسلامی است با همه ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض شدنی نیستند... هدف اسلام خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. انسان وقتی در فرمایشات امام (رضوان الله علیه) و در اسناد اصلی انقلاب اینها را نگاه میکند، می بیند که همه ی اینها در متون اسلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه های اصلی انقلاب است. این خط ادامه پیدا کرده؛ این خط انحراف پیدا نکرده، این خط زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب میگذرد؛ این خیلی حادثه ی مهمی است»^{۲۴}

«انقلاب، یک تحول بنیادین براساس یک سلسله ارزشهاست و یک حرکت به جلو محسوب می شود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحول عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملت بود... انقلاب برای دستیابی به آن ارزشها بود. و اما این ارزشها چیست؟ ارزشها

^{۲۱} - سخنرانی در دیدار با اساتید، مسؤولان، فضلا و طلاب بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) ۶۸/۱۱/۱

^{۲۲} حضرت امام خمینی (ره) - منشور روحانیت

^{۲۳} دیدار در جمع ذاکرین و شاعرین ۹۰/۳/۳

^{۲۴} مقام معظم رهبری ۹۰/۵/۱۹

که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها... اینها ارزشهایی که در جامعه هست و پایه نظام اسلامی است... خود انقلاب، حرکت و تحول و رفتن به جلوسست. بر پایه این ارزشها جامعه باید حرکت کند، تحول پیدا کند و به جلو برود... و اما این پیشرفتهای در کجاست؟... در حوزه‌های علمی، بایستی انسانهای با فکر و شجاع و روشن‌بین، روزبه‌روز روشهای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و آرمانهای جدید را دنبال کنند. اساس، همان ارزشهاست. در چارچوب همان ارزشها پیش بروند و تحولات را به‌وجود آورند. آن وقت انقلاب، یک انقلاب کامل و روزبه‌روز می‌شود و تمام شدنی هم نیست.^{۲۵}

بنابراین اصول تفکر حاکم بر انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی ایران، بر اساس مبانی دین اسلام و بر آمده از معارف و اعتقادات اسلامی است و نیز نظام و دولت اسلامی در جهت تحقق اهداف اسلامی می‌کوشد. از اینرو انقلاب اسلامی، تجلی آمال تاریخی حوزه‌های علمی و حکومت اسلامی آرمان علمای گذشته است و «اگر کسی خیال کند که به غیر از جامعه‌ی علمی روحانیت و جامعه‌ی علمی تشیع، کسی خواهد توانست قرآن و اسلام را علم کند و تبیین و تفهیم نماید و در دلها ایمان و اعتقاد به وجود آورد، یا همین انقلاب به‌ثمررسیده را در این‌جا حفظ کند، اشتباه کرده است. این تصور، غلط است.»^{۲۶}

انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمی

انقلاب اسلامی نه تنها انقلابی منبعث از ارزشها، معارف و احکام دینی بود بلکه زعامت و رهبری آن را یک روحانی از حوزه‌های علمی بر دوش داشت^{۲۷} و از این جهت باید آنرا انقلابی بر پایه اخلاق و معنویت، اصول و اعتقادات، احکام و دستورات دین اسلام دانست، با این توصیف، روشن است که حوزه علمی نقش اساسی در تشکیل نظام اسلامی داشته و در پیشبرد و تحقق اهداف انقلاب اسلامی نیز نقشی بی‌بدیل خواهد داشت، «امروز، انقلاب اسلامی پیروزمند بر محور حوزه علمی به پیروزی رسیده و نظامی به وجود آمده است. حوزه، در این نظام که بیگانه نیست؛ بلکه از لحاظ حرمت و تأثیر واقعی و آینده‌نگری، محور و هسته‌ی مرکزی است.»^{۲۸} «نظام جمهوری اسلامی، نظامی نیست که ممکن باشد مجموعه‌ی از علمای دین از آن جدا باشند؛ آن هم مجموعه‌ی عظیم حوزه‌ی علمی قم که خود پدید آورنده‌ی این انقلاب و زمینه‌ساز پیروزی آن و پشتیبان و پشتوانه‌ی معنوی آن در طول سالهای گذشته بوده است و ان‌شاءالله همواره خواهد بود.»^{۲۹} «نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمی و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های

^{۲۵} ۷۹/۲/۲۳ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران

^{۲۶} سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده ۶۹/۸/۵

^{۲۷} روحانیت در رأس ما هست و ما تبع روحانیت هستیم. ملت ما تبع روحانیت است و اگر روحانیت در کار نبود، این نهضت به ثمر نمی‌رسید. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۸۵)

^{۲۸} دیدار با مجمع نمایندگان ۶۸/۹/۷

^{۲۹} سخنرانی در اجتماع طلاب و فضالای حوزه‌ی علمی قم ۷۰/۱۲/۱

علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است... حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمیتواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار میکند، بی‌تفاوت باشد؛ نمیتواند خود را بیگانه به حساب بیاورد»^{۳۰}، «هر فرد مؤمنی وظیفه دارد از آن دستگاه سیاسی که اسلام را ترویج و احکام آن را پیاده می‌کند، حمایت کند. مگر عالم دین می‌تواند نسبت به حکومت اسلامی بی‌اعتنا بماند؟! ...حوزه علمیه مستقل از حکومت که همکار حکومت است. کار خود را در مجموعه عظیمی که امروز بر دوش همه است، انجام می‌دهد. وابسته به دولت نیست؛ اما به دولت کمک و از آن پشتیبانی می‌کند. به آن خدمت می‌دهد، آن را نصیحت و راهنمایی می‌کند و مقررات اسلامی را به آن می‌شناساند. امروز دستگاه قضایی در زمینه فقهی، نیازمند حوزه‌های علمیه است و دستگاه‌های اجرایی و قانونگذاری، بیشتر احتیاج دارند. دانشگاه‌ها، نیروی نظامی، کارخانه‌ها و تمام اقشار ملت، نیازمند حوزه‌های علمیه‌اند. همچنین، این نظام، در رأس خود کسی را می‌خواهد که پرورده این حوزه‌ها باشد. این همکاری و همگامی، باید به شکل صحیح آن باشد... حوزه همیشه به نحو صحیح و قوی آماده است تا به این حکومت اسلامی که امروز بحمدالله در دنیا به یک قدرت عزیز، منیع و آبرومند تبدیل شده است، کمک کند»^{۳۱}

بر این اساس رسالت و وظایف حوزه علمیه را در قبال انقلاب، نظام و حکومت اسلامی می‌توان اینگونه شمرد :

الف) تولید اندیشه و نظریه‌های دینی در سطح بنیادین، راهبردی و کاربردی در عرصه اداره زندگی اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تبیین و تعمیق ایدئولوژی انقلاب:

در منظومه اندیشه حضرت امام خمینی(ره)^{۳۲} «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» و باید بتوانیم «اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم»، ما باید بتوانیم «در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم»، تحقق این مهم در گرو پویایی و نوآوری در فقه است بخصوص بعد از انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری حکومت دینی، و با توجه به ضرورت اداره جامعه بر اساس الگوی اسلامی لازم است که فقه و اصول فقه در بعد حکومتی و اجتماعی نیز توسعه و تکامل یابند و در واقع «فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند» بنابراین لازم است این انتظار از حوزه و روحانیت به خوبی فهم شود که لازمه آن حضور فعال روحانیت در عرصه‌های اجتماعی است بنابراین «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.» حوزه‌ها و روحانیت نه تنها باید پاسخگوی نیازهای امروز جوامع و نظام و حکومت باشد، بلکه «باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این

^{۳۰} بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

^{۳۱} در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» ۱۶/۹/۷۴

^{۳۲} منشور روحانیت

موضوع فکری کنند.»

حوزه های علمیه ، باید در مقام پشتیبانی فکری و نظری حکومت اسلامی، حکومت را در تولید فقه اداره و جریان احکام اسلامی در شریانه های حیات فردی و اجتماعی جوامع، یاری دهند، زیرا «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است» و حکومت اسلامی تنها بر اساس وعده الهی، با تمسک به حکم خداوند متعال خواهد توانست که راه سعادت و خوشبختی بشر و جوامع را هموار سازد و بر این مبنا «حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است».^{۳۳}

با مروری بر رهنمودهای مقام معظم رهبری نیز ضرورت گسترش و تکامل فقه بخصوص در ابعاد اجتماعی و حکومتی روشن می گردد، «فقه که کار اصلی ماست، به زمینه های نوظهور گسترش پیدا نکرده، یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف اینها را معلوم کند؛ ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد؛ لیکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است»^{۳۴}، «باید فقاقت تقویت شود و درسها و حوزه های فقاقت مورد اهتمام قرار گیرند»^{۳۵}، «بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا برای دستگاه با عظمت قضاوت ما، حل فقهی نشده و تکلیفش معلوم نگردیده است. البته کسی در گذشته تقصیر نداشته است؛ چون قضا و دیات و حدودی نبود؛ ولی ما امروز تقصیر داریم... امروز، جهاد مورد ابتلای ماست. خود همین مسأله ای جهاد، در فقه ما روشن نیست. بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، مسائل حکومتی و بسیاری از مباحث مربوط به زندگی مردم همین مسأله ای پیوندها و تشریحا مباحثی هستند که فقه باید وارد این میدانها شود.»^{۳۶} آنچه که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد آن است که در دوره حاکمیت اسلام، بررسی احکام فقهی حتی مسائل شخصی و فردی با غیراین دوره متفاوت است، «فرضاً اگر کسی درباره احکام فقهی در دوره حاکمیت اسلام کار می کند، آن احکام را دوگونه می تواند مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد: یک طور احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای این که این فرد در کجای عالم زندگی می کند. یکوقت هم انسان همین حکم فقهی را به عنوان بخشی کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره یک جامعه بررسی می کند. اینها با هم متفاوت است. حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت هایی به وجود می آید؛ حتی در مسأله طهارت و نجاست؛ حتی در مسائل شخصی. یک وقت به عنوان جزئی از مجموعه اداره کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می شود؛ یک وقت همین، مجرد از مجموعه اسلام و فقط به عنوان یک حکم که برای یک فرد مطرح است، می باشد. ای کاش فضایی روشن بین بنشینند، تفصیل این تفاوتها را برای پژوهشگران خود حوزه های علمیه تشریح کنند.»^{۳۷} بنابراین روشن است که یکی از مهمترین رسالت های نهاد روحانیت، تبیین احکام و دستورات اسلامی در بعد حکومتی است تا

^{۳۳} صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۹۰

^{۳۴} سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، پاییز ۷۴

^{۳۵} سخنرانی در اجتماع طلاب و فضایی حوزه ی علمیه ی قم ۱۳۸۲/۷۰

^{۳۶} سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، پاییز ۷۴

^{۳۷} -بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه ماه محرم الحرام ۱۳۸۳/۲/۷۶

جائیکه بتوان الگوها و برنامه‌هایی اسلامی برای اداره جامعه ارائه داد، «اداره‌ی نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور کردن مجموعه‌ی زندگی انسانها براساس اسلام، کار بسیار پیچیده و ظریف و دشواری است که در این زمان بر دوش ما و علما در جامعه‌ی اسلامی است.»^{۳۸} «این نظام، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینشهای اسلامی اداره بشود. این تفکرات و بینشها و مقررات، در کجا بایستی تحقیق و تنقیح بشود؟ این استفهامها، در کجا باید پاسخ داده بشود؟ اگر حوزه‌ی علمیه‌ی قم که امروز در کشور ما و بلکه در عالم تشیع، مادر و محور حوزه‌های علمیه است و در درجه‌ی بعد بقیه‌ی حوزه‌ها، تنقیح و تبیین مقررات و احکام و معارف اسلامی را - که نظام با آنها حرکت خواهد کرد - به عهده بگیرند، چه کسی باید به عهده بگیرد؟ حوزه‌ها بایستی این مسؤولیت را احساس بکنند.»^{۳۹}

طبیعی است در صورت خلاء این علوم، شاهد تناقضاتی میان آرمانها و اهداف اسلامی با رفتارها و عملکردها بر اساس ساختارها و قوانین غیر دینی خواهیم بود، «این نظام و این دولت باید بتواند یک الگو درست کند، تا فعل او، قول او را تأیید کند؛ باید بتواند در این کشور اسلام را تحقق ببخشد، تا نهضت اسلامی، صادق شناخته شود؛ باید شعارها را به واقعیت بدل کند، تا آن شعارها، دل شعاردهندگان سایر کشورها را گرم کند.»^{۴۰} اساساً «یکی از خاصیت‌های بزرگ انقلاب، الگوسازی است. شما میتوانید این هدف را دنبال کنید که برای جوامع اسلامی یک الگو درست کنید؛ بگوئید آقا اینجوری میشود حرکت کرد، اینجوری میشود رسید؛ این ممکن است.»^{۴۱} در غیر اینصورت تفکر، نظریه و علم غربی در ساختارها و قوانین اداره جامعه مبنای عمل و رفتار قرار می‌گیرد و اهداف اسلامی محقق نخواهد شد، «آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلاً نمیتواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین میشود؛ همچنان که در آن مواردی که اینخاها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.»^{۴۲}

«نظام به لحاظ نظری، محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر و متکی به تلاش برجستگان و صاحب نظران دینی است. حوزه و روحانیت هم نسبت به نظام دینی بی تفاوت نیست و نمی‌تواند خود را بیگانه به حساب آورد. نظریه پردازی در همه جریانهای اداره ملت و کشور اسلامی به عهده علمای دین است؛ یعنی حوزه و علما باید در باب سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، تربیتی، مسائل جنگ و صلح و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه دهند. اگر علما این کار را نکنند، نظریه‌های غربی و غیردینی جای آنها را پر خواهند کرد. اینکه در باره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های

^{۳۸} - سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس ۶۸/۴/۲۰

^{۳۹} - دیدار با مجمع نمایندگان ۶۸/۹/۷

^{۴۰} - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۷۰/۱۲/۱

^{۴۱} - بیانات مقام معظم رهبری ۹۰/۵/۱۹

^{۴۲} - بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیه قم (۲۹/۰۷/۱۳۸۹)

ذاتاً مسموم، هم به دانشگاه ها و هم به مسئولان، هشدار دادم، به خاطر همین است. علوم انسانی ای که امروز رایج است، ماهیتاً محتوای معارض و مخالف حرکت اسلامی و نظام اسلامی و متکی بر جهان بینی دیگری است.» نمونه ای از این خلاء علمی و نظری را به عنوان مثال می توان در برخورد حداقلی شورای نگهبان در پاسداری از شریعت اسلام و اکتفاء به عدم مخالفت قوانین با شرع، مشاهده نمود در حالیکه انتظار می رود حوزه علمیه با ارائه و به کارگیری روش فقهاتی، در ابتدای قانون ها و قانون گذاریها بر اساس شریعت اسلام مؤثر باشد، همینطور در ارائه مبنا و معیار در تشخیص مصلحت نظام و نیز ارائه الگو و مبانی تئوری نظام سازی و مدل های برنامه ریزی عملی در حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ... بر اساس مبانی اسلامی، «حوزه باید مراکز متعدد تحقیقاتی داشته باشد تا در تمام این زمینه ها، مثل یک مجموعه ی تولیدی مرتب و مدرن کار کند و محصول بدهد. اگر چنانچه دستگاه در مسئله یی دچار سؤال شد - مثل مسئله ی زمین و موسیقی و در یک چارچوب وسیعتر، سیستم اقتصادی و روابط خارجی و ارتباط با ملتها و مسائل پولی و ارزشهای کارگزاران حکومت و صدها مسئله از این قبیل که هر دستگاهی همواره با این سؤالات از لحاظ مبنایی مواجه است که ما بر چه اساسی قانون بگذاریم و بر چه اساسی مقررات اداری بگذاریم و بر چه اساسی عمل بکنیم - بداند که مرکزی این گونه سؤالاها را جواب می دهد. حوزه های علمیه - مخصوصاً حوزه ی علمیه ی قم - در تصویر مطلوب و ایده آلی، یک کارگاه ایدئولوژی و مرکز ایدئولوگهاست.»^{۴۳} در نتیجه اگر با پشتوانه علمی و نظری حوزه های علمیه و با تولید دانش و اندیشه اداره جامعه بر اساس الگوی اسلامی «توانیم قضای اسلامی به معنای واقعی را در جامعه پیاده کنیم و عدل اسلامی را در دستگاه قضاوت و حکومتان نشان دهیم و توانیم زمینه های تداول ثروت بین اغنیا را که اسلام آن را منع کرده است، با نظام اقتصادی درست در جامعه ی اسلامی از بین ببریم و نتوانیم اخلاق و ارزشهای اسلامی را در جامعه مجسم و محقق کنیم، در نتیجه نظامی با پرچم و اسم اسلام، اما با حقیقت و معنای غیراسلامی - و احیاناً جاهلی - خواهیم داشت، که هر چیز غیراسلامی باشد، جاهلی است، "فماذا بعد الحق الا الضلال". اگر خدای نکرده چنین شد، ما همان مؤذن بدصدایی خواهیم بود که صدا و آهنگ ناخوش ما، به جای آن که به اسلام عزت و آبرو ببخشد، آن را دچار سرشکستگی خواهد کرد.»^{۴۴}

بنابراین اگر انقلاب اسلامی پرچم اخلاق، معنویت و دینداری را در سطح جهان با اهتزاز در آورده است، پس باید بتواند به پشتوانه حوزه های علمیه پاسخگوی نیازهای بشر و جوامع باشد اما «اشکالی که حوزه ی ما، دیروز آن را نداشت و امروز دارد، این است که حوزه ی دیروز از دنیای زمان خود عقبتر نبود؛ بلکه جلوتر هم بود... امروز، حوزه ی علمیه از زمان خودش خیلی عقب است.»^{۴۵} برای جبران عقب ماندگی باید تلاش کرد و ضمن شناخت نیازها، در صدد تولید اندیشه برآمد، «ما مسائل حل نشده ی فقهی و کلامی، زیاد داریم. مجموعه ی لازم معارف برای عالم دین را هم خیلی کم داریم.»^{۴۶} اگر

^{۴۳} - سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه ی علمیه ی قم ۶۸/۹/۷

^{۴۴} سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه ی علمیه ی مشهد مقدس ۶۸/۴/۲۰

^{۴۵} سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، پاییز ۷۴

^{۴۶} - سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، پاییز ۷۴

زندگی بر اساس مبانی و فرهنگ غربی و تفکر مادی را ناپسند شمرده ایم، باید الگوی جایگزین مناسبی بر اساس آموزه ها و معارف اسلامی معرفی نماییم، آیا اکنون حوزه های علمیه می توانند بگویند « پاسخ ذره ذره و دانه دانه ی مسایل زندگی چیست؟ شما و همه ی ما در جواب خواهیم ماند. یعنی ما امروز به فراخور نیاز و استفهامی که وجود دارد، پاسخ حاضر نداریم»^{۴۷} «به ما می گویند الگوی زندگی اسلامی را بدهید. چه کسی باید این کار را بکند؟ طبیعی است که حوزه باید در این جهت گام بردارد.»^{۴۸} بنابراین « باید از چارچوبهای مستحکم و استخوان بندی قوی حوزه ی علمیه و از امکانات فراوان فکری و معنوی یی که در این مراکز است، وسایلی برای فراهم کردن پاسخهای این استفهامهای فراوان و ساختن انسانهایی که بتوانند مثل چشمه های جوشانی از معارف و احکام بجوشند و نیازها و خلأها را پر کنند، ساخت.»^{۴۹}

(ب) مشارکت و مسئولیت پذیری در ارکان و بخشهای مختلف حکومت :

حضور و مشارکت فردی روحانیون در صحنه های سیاسی و اجتماعی ، مسئله تازه ای نیست که متناسب با اقتضائات انقلاب اسلامی پدید آمده باشد بلکه در طول تاریخ چنین حضور و مشارکتی از روحانیون دیده شده است، به عنوان مثال در زمان رژیم پهلوی اقدامات و واکنش روحانیون، مراجع و علماء و در رأس آنها حضرت امام خمینی (ره) در مسئله اصلاحات ارضی، انجمن های ایالتی، مقابله با رفراندوم انقلاب سفید، ایجاد تشکل های متعدد مذهبی^{۵۰}، انتشار مجلات دینی^{۵۱}، تلاشهای فرهنگی و مبارزه با بی حجابی، مبارزه با کسروی، مبارزه با مارکسیسم، مبارزه با بهائیان و تبلیغات مذهبی آنان و... اقداماتی فردی و غیرسازمانی بوده است^{۵۲}، بعد از انقلاب نیز این حضور و مشارکت فردی را در تدوین قانون اساسی، حضور در شورای نگهبان و مراقبت بر عدم تدوین قوانین مخالف با شرع و قانون اساسی، حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، حضور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، حضور در مجلس شورای اسلامی، پذیرش ریاست قوا و برخی وزارتخانه ها و دیگر مناسب مدیریتی می توان دید که هر چند در دوران حکومت جمهوری اسلامی، این مشارکت متکامل تر و منسجم تر و گسترده تر می باشد، اما همچنان ورود نهاد حوزه به چنین فضای اثرگذاری کمتر دیده می شود، در حالیکه آنچه بعد از انقلاب اسلامی مورد انتظار است، حضور فعال، مشارکت اثرگذار و مسئولیت پذیری نهاد روحانیت و حوزه های علمیه در همه

^{۴۷} - سخنرانی در دیدار با اساتید، مسؤولان، فضلا و طلباء بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) ۶۸/۱۱/۱

^{۴۸} - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه ی علمیه ی قم ۷۰/۱۲/۱

^{۴۹} - سخنرانی در دیدار با اساتید، مسؤولان، فضلا و طلباء بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) ۶۸/۱۱/۱

^{۵۰} رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران (سال های ۱۳۵۷-۱۳۳۰)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۲۹.

^{۵۱} مانند نشریه مکتب اسلام، مکتب تشیع، الهادی، پیام تشیع، نسل نو و ...

^{۵۲} البته علمای ما در طول تاریخ این طور نبود که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما درش دخالت داشتند، تأسیسش کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی - رَحْمَه الله - این معنا را انجام داد. در زمانهای اخیر هم مدرس، کاشانی، اینها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند، (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۷-۱۱۸)

عرصه های حکومتی و اجتماعی، و البته با تکیه با اندیشه و نظریات اسلامی در اداره جامعه، می باشد. «حوزه، تاکنون این مسئولیت را به صورت مستقیم برعهده نگرفته است. من، این نکته را به صورت صریح عرض می کنم. غیرمستقیم به عهده گرفته است؛ ولی مستقیم نه. در حوزه ها کسانی هستند که کار و تلاش می کنند و از لحاظ فکری، مشکلات و گره های نظام را با مباحث خود باز می کنند. کسانی از حوزه ها متخرج شده اند و به سراسر کشور یا در داخل تشکیلات گوناگون نظام رفته اند و کار می کنند؛ اما حوزه - به ماهی حوزه - هنوز تنظیم و تدوین مقررات اسلامی و نظام ارزشی اسلام و اخلاق عمومی را که ما می خواهیم ملت داشته باشند و متکی به مدارک قطعی شرع باشد و دیگر جای بحث و لیت و لعل و لم و یم نداشته باشد، متکفل نشده و الگوی زندگی اسلامی را ارایه نداده است...»^{۵۳} آنچه ضروری است، حضور فعال نهاد حوزه در صحنه پشتیبانی فکری نظام و مسئولیت پذیری آن است و «حوزه باید باشد، نه تک تک طلاب. مجموعه ای حوزه باید مثل یک استخر جدا افتاده ای از جریانات علمی و فکری جهان نباشد؛ دریای عظیمی باشد که جریان هایی به آن وارد بشوند و جریان هایی هم از آن خارج گردند؛ فکری در آن وارد بشوند و فکری هم از آن خارج گردند. شما باید دنیایی را سیراب کنید؛ حوزه نمی تواند کنار بماند.»^{۵۴}، «البته کسانی از آحاد منتسب به حوزه، کارهای با ارزشی کردند و می کنند؛ اما این کار، کار حوزه - در شکل نظام یافته ای آن - نیست. کارهای افراد، غیر از کار نظام است. نظام حوزه بایستی جواب بدهد. حالا یک نفری پیدا شد و وارد منطقه ای گردید و کاری کرد و محصولی هم داد؛ نمی شود این را به حساب حوزه گذاشت.»^{۵۵} بنابراین لازم است که این رویکرد سازمانی و تشکیلاتی و برنامه ریزی شده مورد انتظار، در نهاد روحانیت و حوزه های علمیه نهادینه شده و ساختار، قانون و برنامه متناسبی تهیه شود، هر چند که رویکرد فردی روحانیون هم در پذیرش مسئولیت و قبول مناسب حکومتی و خدمت به نظام، کافی نیست و مورد مطالبه رهبر انقلاب و مقام معظم رهبری هم واقع شده است :

«روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده اند. اگر طلبه ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می شود و هر گز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هر گز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.»^{۵۶}

^{۵۳} - سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه ی علمیه ی قم ۶/۹/۷

^{۵۴} - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضالای حوزه ی علمیه ی قم ۷۰/۱۲/۱

^{۵۵} - سخنان رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم، پاییز ۷۴

^{۵۶} صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۹۳

«کسانی که خود را بنده مطیع خدا می‌دانند، برای تحقق اهداف خدایی تلاش می‌کنند و صبح و شام در مقابل پروردگار پیشانی خضوع به خاک می‌سایند که به آنها توفیق دهد خدمتگزار دین او باشند. اگر اینها در کشور، زمام قدرت را به دست گیرند، همه وظیفه دارند که مانند یک عبادت، از آنان حمایت کنند. در گوشه و کنار، شاید افرادی هستند که خیال می‌کنند این نشانه زهد و علم آنان است که از کار کنار بکشند و کاری با حکومت نداشته باشند. مگر چنین چیزی امکان دارد؟! البته چون می‌خواهیم نسبت به مسائل، حسن ظن داشته باشیم، می‌گوییم این، نشانه بی‌خبری و غفلت آنان است، و الا اگر غفلت و بی‌خبری نباشد، نشانه چیزهای خیلی بدی خواهد بود... شما خیال نکنید امروز دولت جمهوری اسلامی در دنیا، یک دولت معمولی است... حقیقت این است که بزرگترین قدرتهای دنیا، امروز برای نظام جمهوری اسلامی و مسؤولان آن، از ته دلشان احترام قائلند. دولت جمهوری اسلامی، در سطح دنیا عزیز است. حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در مجامع جهانی، نشان‌دهنده عزت، استقلال در تصمیم‌گیری و تدبیر جمهوری اسلامی است و دنیا شاهد آن است. نظام جمهوری اسلامی، این‌طور احترام همه را جلب می‌کند. ملت‌ها، روشنفکران، دانشمندان، دانشگاهیان، جوانان و قشرهای مختلف مردم در کشورهای گوناگون، نسبت به نظام جمهوری اسلامی و این دولت کریمه، چنین نظری دارند. همکاری با این نظام در راه عزت اسلام، برای هر کس مایه افتخار است. هر قدمی که موجب عزت نظام جمهوری اسلامی شود، در راه تعزیز اسلام و برای اسلام است. کسانی که در راه عزت این نظام و مسؤولان آن قدم بر می‌دارند، باید بدانند که حسنه و کار برای خدا انجام می‌دهند و این، عبادت است.»^{۵۷} «اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته می‌شود که برای ادای دین و مسئولیت شرعی از نظام اسلامی و یا از مسئولی حمایت می‌کند، این ارزش است، نه ضد ارزش؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است».

حضور فعال و اثرگذار در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و پذیرش مسئولیت و پشتیبانی نظام توسط حوزه، حاصل این نگاه و اعتقاد خواهد بود که «اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است»^{۵۸} و نیز روشن است که «اگر امروز جمهوری اسلامی بد و ضعیف عمل کند، فقط به حیثیت این نظام صدمه نمی‌خورد؛ بلکه به تمام حیثیت اسلام صدمه خواهد خورد. درحقیقت از نظر ناظران جهانی، قبه‌الاسلام و علم و مظهر جامعه‌ی نمادین اسلام این‌جاست. اگر ما ضعیف و بد عمل کنیم و نتوانیم احکام اسلامی و عدالت اجتماعی را استقرار ببخشیم و استعدادها را جوشان سازیم و از آنها استفاده کنیم و نتوانیم اخلاق اسلامی را در جامعه رواج دهیم و روابط انسانها را به صورت مطلوب تنظیم کنیم، قضاوت دنیا این خواهد بود که اسلام نتوانست به وعده‌های خود عمل کند. می‌بینید که این مسئولیت فقط برعهده‌ی ماست، و علمای کشورهای دیگر که با نظامهای متفاوت زندگی می‌کنند، این احساس را در خود ندارند.»^{۵۹} «نظامی بر اساس اسلام تحقق پیدا کرده است و

^{۵۷} در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» ۷۴/۹/۱۶

^{۵۸} صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۱۸-۲۲۰

^{۵۹} - سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس ۶۸/۴/۲۰

موفقیت و عدم موفقیت آن در دنیا و تاریخ، به حساب اسلام گذاشته خواهد شد»^{۶۰} و «امروز قوام حرکت دینی و اسلامی در دنیا به جمهوری اسلامی است و قوام جمهوری اسلامی هم به علمای دین و پرچمداران فقه دینی و اسلامی است»^{۶۱}، «اگر روحانیون، آینده را با چشم باز و بصیر نگاه کنند و خود را برای ادامه ی حمل این بار آماده نمایند و وظایفشان را پیش بینی و خودشان را آماده ی عمل به آن بکنند، اسلام در سطح جهان روزبه روز قوّت خواهد گرفت. در این هم هیچ تردیدی نیست.»^{۶۲}

ج) فرهنگ سازی بر اساس مبانی، باورها و ارزش های انقلاب :

فرهنگ سازی، مهندسی فرهنگی و مدیریت تولید فکر و فرهنگ در عرصه مبانی و ارزشهای انقلاب و نظام و حکومت جمهوری اسلامی، و نیز جریان سازی این فرهنگ انقلابی در جوامع اسلامی از ضروریاتی است که باید مورد اهتمام حوزه علمیه باشد، اما متأسفانه «این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارایه ی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیفترین و کم کارترین انقلابها و بلکه تحولات دنیاست... ما چه کار کردیم؟ کاری که ما در این زمینه کردیم، واقعاً خیلی کم است. این، یکی از کارهای حوزه است... بیشترین مسؤولیت را حوزه ی علمیه - و بیش از همه قم - دارد. قم بایستی محصول وافری در این زمینه می داد... وضع تبلیغ ما این است و حوزه ی علمیه در این زمینه ها موظف می باشد.»^{۶۳}

ذ) آشنایی با مسائل و نیازهای روز و آگاهیها و بصیرت سیاسی و اجتماعی:

اگر از حوزه و حوزویان انتظار تعامل و ارتباط اثرگذار، حمایت و پشتیبانی نظام و حکومت و مداخله در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه بلکه در سطح جهان وجود دارد، شکی نیست که «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حیلها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوّت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد.»^{۶۴} بنابراین لازم است که «مسئولان و

^{۶۰} دیدار با مجمع نمایندگان ۶۸/۹/۷

^{۶۱} - بیانات در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلاب 22/12/69

^{۶۲} - سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از علما، مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه ی علمیه ی قم و مدارس علمیه ی تهران ۶۸/۱۲/۲

^{۶۳} دیدار با مجمع نمایندگان ۶۸/۹/۷

^{۶۴} منشور روحانیت

اکابر و شخصیتها و رهبران حوزه - مثل مراجع تقلید و مدرّسان بزرگ و شورای مدیریت و امثال اینها - کاری کنند که در داخل حوزه‌ی علمیه، درک از مسائل جاری عالم و قدرت تحلیل و فهم این مسائل، در عالیترین سطح خودش در کشور وجود داشته باشد. یعنی ما باید کاری بکنیم که حوزه‌ی علمیه قادر باشد به وسیله‌ی یکایک اغلب افرادش - نمی‌گوییم همه‌ی افراد - در فضای عمومی کشور، بینش درست سیاسی و فهم مسائل جاری را در اختیار دیگران بگذارد و مردم را هدایت کند و پیش برده... اگر ما بتوانیم تعداد زیادی روحانی، با معرفت دینی وسیع و آگاهی و هوشمندی سیاسی، داخل دانشگاهها بفرستیم، شما ببینید از این کار چه قدر برکات بر خواهد خاست. این، از حوزه متوقع است. این، بدون آن رشد فکری و سیاسی و معنوی، امکان ندارد. این، جایش خالی است.^{۶۵} ضرورت این امر کاملاً روشن است، چرا که «اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علّاجش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندیهای امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم... بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیتها برای هر عالمی - چه اعلم‌العلماء باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است، منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهیهای بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است.»^{۶۶} بر این اساس، حوزه علمیه می‌تواند در پیشبرد اهداف انقلاب و نظام مؤثرتر و به نحو احسن اقدام نماید چرا که «وقتی یک مجموعه‌ی زنده، پرنشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پایبند به مبانی و اصول و ارزشها در نظام وجود دارد و دارد حرکت میکند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر می‌گذارد، این قهراً در پیشبرد مجموعه اثر تعیین کننده خواهد داشت»^{۶۷}.

د) دفاع از انقلاب در عرصه جهانی در برابر امواج دشمنان و تحرکات کافران، شناخت محورهای تهاجم بخصوص تهاجم های فکری و اعتقادی و شبیه افکنی ها :

دشمنان اسلام و انقلاب هرگز فرصتی را برای دشمنی با نظام و حکومت اسلامی ایران از دست نخواهند داد و به هر طریق ممکن در صدد وارد آوردن ضربه کارآمدی بر پیکره نظام خواهند بود همچنانکه از آغاز انقلاب اسلامی، لحظه‌ای از شیطنت و دشمنی دست برنداشتند و اکنون نیز «یک جبهه بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه یی است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند... الان در مدرسه ها و داخل خیابانها و جبهه ها و حوزه های علمیه و

^{۶۵} دیدار با مجمع نمایندگان ۶۹/۱۱/۴

^{۶۶} سخنرانی در مراسم بیعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس ۶۸/۴/۲۰

^{۶۷} مقام معظم رهبری ۹۰/۵/۱۹

دانشگاههای ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید. الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعداً هم بیشتر خواهد شد.^{۶۸} بنابراین لازم است، حوزه‌های علمیه در مقام دفاع از نظام و انقلاب اسلامی، نسبت به شبهه پراکنی‌ها و تهاجم فکری و اعتقادی دشمنان، با استفاده از بهترین ابزارها و روشها، اقدام لازم را به عمل آورند.

د) حضور فعال در عرصه سیاست، مسائل چالشی و حوادث جهانی:

در عصر حاضر که جهان صحنه درگیری دو قطب فرهنگی و اعتقادی بلکه درگیری میان دو تمدن مادی و الهی و دو جبهه حق و باطل است، و انقلاب اسلامی پرچم دینداری و معنویت و عدالت را برافراشته است، لازم است حوزه و روحانیت در مقام پشتیبانی علمی و نظری و حمایت از نظام اسلامی، در مسائل سیاسی و حوادث جهانی بهترین موضع‌گیری و تبیین و تصمیم را بگیرند و از تمام ظرفیتها و توان خود برای اعلام موضع حق و اجرای عدالت بهره‌گیرند، و حقانیت دین را ثابت نمایند، تاکنون نیز «اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب میدید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه‌ی برجسته‌ی آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت میماند، بدون تردید دین آسیب میدید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است... اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده‌ی اوست، انجام ندهد، این موجب نمیشود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند»^{۶۹} بنابراین برای حضور فعال حوزه در متن حوادث و مسائل سیاسی در مقیاس ملی و فراملی، باید برنامه ریزی و اقدام نمود.

ه) نظارت بر عملکرد نظام و تعامل ناصحانه و اثرگذار:

اگر «نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت "حمایت و نصیحت" است؛ یعنی دفاع در کنار اصلاح.» و نیز «اگر روحانیت در قبال حکومت، بی‌اعتنا و بی‌مبالا باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می‌شود.»^{۷۰} بنابراین لازم است که حوزه بر عملکرد نظام و دولت اسلامی، نظارت و اشراف کامل داشته و بتواند در زمان لازم، در مقابل رفتار صحیح یا غلط دولتمردان بهترین موضع و برخورد اثرگذار را از خود نشان دهد، نسبت به معروف یا منکرهای احتمالی، به نحو احسن امر یا نهی نماید، چراکه «دستگاههای دولتی، نوسان و تلاطم دارند و آینده‌شان به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست. روحانیت باید همیشه امکان حضور قدرتمندانه نصیحت‌آمیز یا دخالت‌آمیز را برای خودش حفظ

^{۶۸} سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۶۸/۹/۷

^{۶۹} بیانات در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم ۲۹/۰۷/۱۳۸۹

^{۷۰} در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» ۷۴/۹/۱۶

کند، وَاَلَا نمی تواند کاری انجام دهد.^{۷۱} بر این اساس باید سازوکار و ساختار رصد و نظارت و اشراف بر عملکرد دولت، در ساختار حوزه علمیه فراهم آید.

و) مشارکت در اداره نظام از طریق تربیت نیروهای مورد نیاز حکومت :

«خطی را که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است»، همچنین « برای رسیدن به تمدن اسلامی دو عامل اساسی نیاز است، اندیشه و نیروی انسانی» بنابراین لازم است که حوزه علمیه در تربیت نیروهای مورد نیاز نظام بکوشد، « نقش حوزه - غیر از جنبه های فرهنگی - در اداره ی جامعه است. ما نباید از نقش سیاسی حوزه و شخصیت های حوزوی در اداره ی جامعه غافل شویم. این، چیز مهمی است. شما باید رهبران آینده ی انقلاب و کشور را در حوزه بسازید و بپرورانید و فراهم کنید؛ شخصیت هایی که بتوانند رئیس جمهور و وزیر و نماینده و نظریه پرداز سیاسی باشند. کما اینکه شما ملاحظه می کنید، بعد از پیروزی انقلاب، منهای شخص شخیص امام بزرگوار - که لایعاده احد - سهم و نقش معلمان و متخرجان حوزه در اداره ی انقلاب و مسؤولیت پذیری در مسائل آن - چه در قانون گذاری، چه در قضای، چه در قوه ی مجریه اش و چه در زمینه های سیاسیش - اگر نگوییم بیشتر است، اقلأ نقشی برابر با غیرحوزویها داشته اند. اینها، متخرجان قبل از انقلابند. به قول آن باغبان قدیمی: کاشتند و خوردیم، کاریم و خورند. حوزه، در این مورد چه کرده و چه خواهد کرد؟ البته، در این زمینه حوزه تلاش های خوبی داشته است و نمی شود آن را منکر شد؛ اما مطمئناً کمتر از آن چیزی است که لازم می باشد.»^{۷۲} بنابر این لازم است که حوزه علمیه در این جهت ساختار و قوانینی را تنظیم و اقدامات لازم را انجام نماید. همچنین لازم است در این جهت فرهنگ سازی شود تا « هر کس برای تعلیم و تربیت وارد حوزه می شود، این در ذهنش باشد که من امروز به اندازه وسع و توانم، طلبه فاضل، مدرّس معروف، مرجع یا از ارکان حوزه می شوم تا به نظام جمهوری اسلامی و مسؤولانش کمک کنم. طلبه باید از ابتدا تا پایان، این روال و مسیر را در نظر داشته باشد. این، باید در حوزه علمیه به یک فرهنگ تبدیل شود.»^{۷۳}

^{۷۱} در دیدار روحانیون و طلباب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» ۷/۹/۷۴

^{۷۲} دیدار با مجمع نمایندگان ۷/۹/۶۸

^{۷۳} در دیدار روحانیون و طلباب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم» ۷/۹/۷۴